

تفکیک جنسیتی در فضاهای دانشگاهی؛ نسبت سنجی دیدگاهها با آموزه‌های دینی

محسن کهتری^۱
جعفر گل محمدی^۲
حمیدرضا میرعظیمی^۳

چکیده

هدف: این پژوهش، به منظور جمع‌آوری و تحلیل دیدگاههای صاحب‌نظران درباره نگاه دین به تفکیک جنسیتی و ایجاد فضاهای ویژه مردان و زنان در دانشگاهها انجام شده است. **روش:** داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و با نگاه توصیفی تحلیلی از کتب و مقالات مرتبط با موضوع، جمع‌آوری شده و در آمایش نظرات، پنج دیدگاه غالب در این موضوع طرح و تبیین شده است. در بخش تحلیلی دیدگاهها، عدم نگاه جامع به ادله و طولی بودن دستورات شرع و همچنین عدم در نظر گرفتن عناصر و ویژگی‌های تحدیدکننده موضوع، به عنوان نکات قابل نقد، مطرح شده است. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** با در نظر گرفتن ملاحظاتی، طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاهها قابلیت اجرا دارد و همچنین از اهمیت و منطقی لازم در نگاه شرع و عقل برخوردار است.

واژگان کلیدی: تفکیک جنسیتی، دانشجو، آموزش عالی.

◇ دریافت مقاله: 97/06/10؛ تصویب نهایی: 98/02/14.

1. دکتری مدرّسی معارف اسلامی، گرایش اخلاق اسلامی. دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) / نشانی: قم؛ بلوار دانشگاه (جاده قدیم تهران)، پردیس فارابی دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، طبقه دوم، دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (مدظله) / شماره: Email: mohsenkehtari@ut.ac.ir / 025-36166224.

2. دکتری مدرّسی معارف اسلامی (اخلاق اسلامی) از دانشگاه تهران، استاد یار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران.

3. دکتری عرفان اسلامی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و سطح 4 حوزوی - خبرگان بدون مدرک، استاد یار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران.

الف) مقدمه

یکی از موضوعاتی که طی سالهای اخیر، در فضای آموزش عالی نقد و بررسی شده و موافقان و مخالفان زیادی داشته، بحث ایجاد فضاهای تفکیکی یا تک‌جنسیتی در دانشگاههاست. این موضوع از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است؛ اما از آنجا که بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تشکیل نظامی با هدف تحقق آرمانهای والای اسلامی - انسانی، تغییرات بنیادینی در نظام ساختارها و نگرشهای اجتماعی به وقوع پیوست و با تکیه بر آرای قریب به اتفاق ایرانیان، روش مدیریت اجتماعی توصیه‌شده از سوی شریعت، تراز سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های حاکمیتی قرار گرفت، ضروری است که موضوع ویژه‌سازی فضاهای دانشگاهی نیز با رویکرد اسلامی و نگاه اجتهادی سنجش شده و دیدگاه شریعت نسبت به آن استخراج و نظریه‌پردازی شود.

از آنجا که دانشگاه از مهم‌ترین عوامل تغییر در ساختارهای اجتماع و رسیدن به تمدن نوین اسلامی است، طبیعتاً هرگونه تغییر در ساختار این نهاد بااهمیت می‌تواند در سایر ابعاد رشد جامعه نیز تأثیرگذار باشد. چنانکه از نام دانشگاه پیداست، این فضا، محیطی است برای تحصیل علم و رشد دانش. از طرفی، فضای دانشگاه کارکردهای فرهنگی و اجتماعی دیگری نیز دارد و به نحوی، مرحله مهمی از رشد اجتماعی جوان را رقم می‌زند. کم‌توجهی به نحوه و ساختار فضای آموزش عالی، غیر از آنکه منشأ افت سطح علمی در کشور خواهد شد، به سبب تأثیرگذاری فضای دانشگاهی بر سبک زندگی عموم مردم، بر فضای فرهنگی حاکم بر جامعه نیز تأثیرگذار خواهد بود؛ زیرا نه تنها قشر عظیمی از جوانان کشور در دانشگاهها تحصیل می‌کنند، بلکه اکثر مدیران و تصمیم‌گیران فرهنگی آینده کشور، از بین همین دانشجویان خواهند بود و ساختار فکری و ارزشی حاکم بر آنان، به عموم اجتماع سرایت خواهند کرد. از این رو، اگر دانشجویانی با نظام ارزشی منطبق با آموزه‌های عقلانی و دینی تربیت شدند، تصمیم‌گیری‌های آینده کشور نیز مطابق همین ارزشها شکل خواهد گرفت. به همین سبب، یکی از مهم‌ترین اقدامات مسئولان کشور بعد از انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی و بازنگری نسبت به ساختار و تشکیلات آموزش عالی بود. یکی از پرچالش‌ترین موضوعات مطرح‌شده در ساختار دانشگاهها، موضوع مختلط یا غیر مختلط بودن فضاهای آموزشی است که در مصوبات شورای عالی نیز بدان توجه جدی شده است.¹ توجه به این مسئله از دو نظر حائز اهمیت و بررسی است:

1. آیین‌نامه حفظ حدود و آداب اسلامی در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، مصوب جلسات 114-116 - 117 و 121 مورخ 66/3/5 - 66/3/26 - 66/4/2 و 66/5/6 شورای عالی انقلاب فرهنگی؛
1. دانشجویان زن و مرد لازم است در کلاسهای درس در دو ردیف جداگانه بنشینند.

تفکیک جنسیتی در فضاهاى دانشگاهى؛ نسبت‌سنجى دیدگاهها با آموزه‌هاى دینى ❖ 253

- نقش تفکیک یا اختلاط بر رشد علمى دانشگاهها؛
- نقش تفکیک یا اختلاط بر سطح فرهنگى، مذهبى و اجتماعى دانشجویان.

طبیعتاً توجه به رشد متقارن این دو مؤلفه، باید در پژوهشها و سیاستگذاری‌هاى مرتبط با موضوع تفکیک در نظر گرفته شود؛ اما به نظر مى‌رسد طرح این بحث در مجامع حوزوى و دانشگاهى در ایران، بیشتر به جنبه‌هاى فرهنگى و اجتماعى قضیه بازمى‌گردد. یکى از موضوعات مهم، فراگیر و رو به گسترش در آسیبهاى اجتماعى، بحث روابط نامشروع است. مجموعه‌هاى دانشگاهى نیز به سبب حضور و تمرکز حداکثرى جوانان در آنها و مرجعیت فرهنگى برای عموم جامعه، از نظر زمینه‌سازى برای آسیب مذکور، مورد توجه ویژه قرار گرفته و تغییر و بازنگرى در سیاستهاى فرهنگى حاکم بر آن، در معرض مطالعه و مطالبه واقع شده است.

ب) پیشینه و روش تحقیق

درباره تفکیک یا اختلاط دو جنس در آموزش، مقالات متعددى در غرب نگاشته شده که اغلب ناظر به رشد علمى و آموزشى است. در ایران تعداد این مقالات بسیار محدود است و دیدگاههاى فرهنگى و اجتماعى بر آنها غلبه دارد. در ادامه به برخى از کتب و مقالات مرتبط با موضوع اشاره مى‌شود.

نویسندگان «تفکیک جنسیتی در دانشگاهها. آرى یا خیر» (تقى و سیادتیان آرانى، بی تا) با بهره‌گیرى از نگاه علم روان‌شناسى و دین، به تفاوت بین جنسیت زن و مرد پرداخته‌اند. ابتدا تفاوتهاى میان زن و مرد در امور

تبصره: هرگاه در دانشگاهى جدا کردن کلاسهاى مخصوص زنان و مردان میسر باشد و مشکلى از لحاظ بودجه و کیفیت تحصیل به وجود نیارد، کلاسها باید جدا باشد.

4. در محلهاى تردد و نصب اعلانات در دانشگاهها، هرگاه احتمال ازدحام رود، باید محلهاى جداگانه برای زنان و مردان در نظر گرفته شود.

5. لازم است که دانشجویان زن و مرد از آزمایشگاهها و کارگاهها و سالنهاى تشریح و اتاق کامپیوتر و غیره حتى المقدور در نوبتهاى خاص و به‌طور جداگانه استفاده کنند.

7. دانشجویان زن و مرد لازم است در گروههاى مجزا به کارهاى گروهى دانشجویى از قبیل انجام پروژهها و طراحی و کارهاى عملى و مانند آن پردازند، مگر اینکه مجزا کردن زن و مرد منجر به مختلف شدن کار یا تعطیلی آن گردد.

8. دانشگاهها باید تدابیرى اتخاذ کنند تا در محیطهاى ادارى با توجه به امکانات موجود از اختلاط غیر ضرورى زن و مرد تا جایی که منجر به اختلال و تعطیل کارها نشود، جلوگیری به عمل آورند.

11. اماکن عمومى مانند قرائتخانه کتابخانه و خوابگاهها و اتاقهاى غذاخورى باید از برای زنان و مردان جدا باشد یا برای هر جنس از نوبت جداگانه استفاده شود. (مرکز پژوهشهاى مجلس شورای اسلامى. آخرین دسترسى: 97/8/15؛

آموزشی و یادگیری، تبلیغات، الگوهای استفاده از اینترنت، سوء مصرف مواد، محیط کار و... مطالعه و بررسی شده و سپس تفکیک جنسیتی در دانشگاه واکاوی شده و پیشینه تاریخی اندیشه اختلاف دو جنس در آموزش بررسی شده است. در ادامه نیز نظر موافقان و مخالفان تفکیک جنسیتی مطرح شده است.

«معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام» (صادق، 1382) با تأکید بر ضرورت معاشرت و بیان شیوه‌های ارتباط، به آسیب‌شناسی و راه‌های پیش‌گیری از پیدایش آسیبها پرداخته و دیدگاه‌های گوناگون موجود را درباره معاشرت زنان و مردان، نقد و بررسی کرده است. نویسنده کوشیده است با استفاده از دو منبع قرآن و سنت، دیدگاه اسلام را در زمینه معاشرت و مسائلی چون: نگاه، حجاب، گفتگو، دست دادن و بهره‌برداری‌های جنسی، بررسی و در مقابل دو دیدگاه افراطی و تفریطی، از راه اعتدال دفاع کند.

یاری و محمدنژاد (1391) در مقاله «بررسی ابعاد و پیامدهای طرح تفکیک جنسیتی دانشجویان در دانشگاهها و راهکارهای اجرای طرح»، ضمن مصاحبه حضوری با 30 تن از اساتید و مسئولان دانشگاهی، به بررسی ابعاد و تأثیرات اجرای طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاهها بر رشد علمی، تأمین آینده شغلی و ارتقای سطح تربیت اسلامی و اجتماعی دانشجویان پرداخته‌اند. در این مقاله، اندیشمندان مخالف با طرح، بر تقدّم تربیت اسلامی (به جای هرگونه طرحهای آمرانه)، بسترسازی رشد علمی دانشگاهها و کسب مهارتهای شغلی (به‌ویژه برای خانم‌ها) و مهارتهای اجتماعی دانشجویان تأکید کرده‌اند. در مقابل، صاحب‌نظران موافق با طرح بر این باورند که مداخل ورود به تربیت اسلامی و زمینه‌سازی برای افزایش روحیه علم‌گرایی دانشجویان، با سازمان‌یابی دانشگاهها به نحو اسلامی - ایرانی (غیر مختلط) محقق می‌شود. این مقاله با استفاده از مباحث مطرح‌شده، ضمن طبقه‌بندی دیدگاهها و تدوین الگوی نظری، سازمان‌یابی بومی دانشگاهها را با تأکید بر ارائه امکانات آموزشی برابر و افزایش خدمات مشاوره‌ای و تربیتی به دانشجویان، پیشنهاد داده است.

در مقاله «روابط زن و مرد از دیدگاه اسلام، ترویج، تعطیل، تعدیل؟» (نیکزاد، 1383)، پس از بیان ضرورت بحث، رویکرد منطقی و معتدل از دیدگاه آیات و روایات در برابر دو دیدگاه سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه، بیان و حدود و مبانی آن مطرح می‌شود. طبق این رویکرد، معیار در روابط زن و مرد، روشی است که جامعه با در نظر گرفتن راهنمایی عقل، شرع و فطرت می‌پسندد. در پایان نوشتار نیز موضوعات اساسی در روابط، از قبیل مکالمه و گفتگو، نگاه، پوشش و تماس بدنی، با نگاهی فقهی بررسی شده است.

در مقاله «بررسی فقهی تفکیک جنسیتی» (امامی راد، 1393) سعی شده است موضوع تفکیک جنسیتی با توجه به قواعد فقهی بررسی شود. نویسنده بنا بر ادله فقهی معتقد است تفکیک جنسیتی در مراودات خانوادگی و اجتماعی و مراکز آموزشی، به طور مطلق مطلوب و مستحب است و اگر در اختلاط جنسیتی علم به ارتکاب گناه باشد، تفکیک جنسیتی از سوی خود مکلف، خانواده و مسئولان و قانون‌گذار واجب خواهد بود. البته این حکم، حکم اولی است.

تفکیک جنسیتی در فضاهای دانشگاهی؛ نسبت‌سنجی دیدگاهها با آموزه‌های دینی ♦ 255

صالحی (1385) در مقاله خود تلاش کرده با تبیین دیدگاه فمینیست‌های پست‌مدرن و مقایسه آن با دیدگاه‌های اسلامی درباره تفکیک و اختلاط، وجوه مشترک و متمایز این دو رویکرد را تبیین و تحلیل کند. فمینیست‌های پست‌مدرن بر اساس رویکرد فلسفی خاص خود به هویت زن و مرد، برای این دو جنس، ذهن و زبان و دانش و جهان و جهان‌بینی متفاوتی قائل‌اند. بر همین اساس، معتقدند تفکیک محیط‌های زنانه و مردانه سبب پیشرفت زنان خواهد شد؛ ولی نظریه اخلاقی اسلام درباره عدم اختلاط محیط‌های مردانه و زنانه، مبانی و خاستگاه‌های متفاوتی دارد. در مبانی دینی اسلامی، امنیت و عفاف و مشارکت مردان و زنان، در عین رعایت حریم محیط‌ها، دارای بنیادهای فلسفی خاص است. نویسنده، این نظریه را در تطابق با مبانی اسلام و فمینیسم فرامدرن (جدید) به چالش می‌کشد.

در پژوهش‌های پیش‌گفته و دیگر منابع مرتبط، دیدگاه‌های متنوعی درباره تفکیک جنسیتی مطرح شده که معمولاً در موضوع‌شناسی، کلیت داشته و فضای دانشگاهی در آنها به صورت ویژه دیده نشده است. از این رو، در مقاله حاضر تلاش شده تا به روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و مراجعه به بیش از 70 منبع، اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه مرتبط با موضوع، نگاهی فراتحلیلی به دیدگاه‌های شریعت‌محور داشته و مبانی آنها با توجه به معارف و آموزه‌های دینی و لحاظ ویژگی‌ها و مقیدات موضوعی، نقد و بررسی شود.

ج) تبیین مسئله

سؤال این تحقیق، بررسی نسبت آرای مطرح‌شده درباره ویژه‌سازی فضای حضور زنان و مردان در دانشگاهها با آموزه‌ها و سبک زندگی توصیه‌شده در اسلام است و اگر درباره اصول و قواعد کلی مانند حضور زن در اجتماع یا ارتباط با مردان بحث می‌شود، نباید این را فراموش کرد که موضوع تحقیق، حیثیت تقییدی داشته و در بررسی نظرات، تمام عناصر تحدیدکننده موضوع باید مد نظر قرار گیرد.

دانشگاه مجموعه‌ای است که محوریت آن را حضور تعدادی جوان در بازه زمانی طولانی مدت (حدود چهار سال در کارشناسی) و با هدف تحصیل دانش در رشته‌ای خاص و در کنار آن، رشد آگاهی‌ها و گرایش‌های دینی و فضایل اخلاقی و تحقق رفتار مطابق با آنها تشکیل داده است. در بخشی از سند دانشگاه اسلامی، تعریف دانشگاه چنین آمده است: «پرورش دهنده نخبگانی عالم، معتقد، متشرف، متخلق و مهذب» و «تجلی‌بخش الگوی سبک زندگی اسلامی - ایرانی».

پس موضوع بحث، مطلق روابط انسانی اعم از کودک و نوجوان و بزرگسال نیست و اقتضانات ویژه جوانی باید در آن ملاحظه شود. همچنین موضوع، مطلق حضور دختران و پسران جوان در کنار هم و ارتباطات آنان با یکدیگر نیست، بلکه رابطه در فضایی است که هدف از تشکیل آن، غایات علمی و فرهنگی موجود در آن است. البته از این نظر، دبیرستان نیز با موضوع ما (حضور جوانان برای هدفی علمی

تربیتی) مشترک است؛ اما به سبب عدم تحقق خارجی اختلاط در فضای دبیرستانها، مصداقاً از موضوع بحث خارج شده است.

البته این نکته قابل سؤال و نیازمند رفع ابهام است که یک شخص جوان در مرحله گذر از مقطع دبیرستان به دانشگاه چه تغییر ویژه‌ای کرده است که بعد از یک سال، قانون و دستور تفکیک فضاهای آموزشی، ناگهان به تجویز یا توصیه به اختلاط تغییر می‌کند؟ توجیه علمی یا دینی این تفاوت و تمایز این دو سطح در نظر متخصصان چیست؟

1. تعاریف

یک (فضای دانشگاهی): در موضوع این پژوهش، «فضای دانشگاهی» به معنای عام آن در نظر گرفته شده است. طبیعتاً برای بررسی موضوع همگن سازی دانشگاهها، می‌توان به تمام ابعاد محیط دانشگاه توجه کرد و برای هر بخش بنا بر ضابطه‌های کلی، توصیه‌های ویژه‌ای داشت. در این مجال، فرصت پرداختن به همه این ابعاد به شکل ویژه وجود ندارد، ولی برای توجه دادن به دیگر محققان یا تصمیم‌گیران این عرصه، به بخشی از آنها اشاره می‌شود: جداسازی یا اختلاط در کلاسها، محیطهای پژوهشی مانند کتابخانه‌ها و آزمایشگاهها، بوفه و سلف دانشجویی، محیطهای عمومی و مسیرهای رفت و آمد، سرویسها و وسایل تردد ویژه دانشگاه، محدوده و مجتمع خوابگاهی، محیطهای تفریحی و اردوها، فعالیت دانشجویان در تشکلهای و کانونها و انجمنها، حضور اساتید و کارمندان غیر همجنس به خصوص اساتید مجرد و جوان و ابهاماتی مانند اینکه آیا فضای دانشگاه از درب ورود دانشگاه تعریف می‌شود یا فضاهای مجازی را نیز شامل می‌شود؟ اگر آموزش به شکل مجازی و غیر حضوری باشد چطور؟ وظیفه مجموعه‌هایی مانند دانشگاه پیام نور چیست؟ آیا می‌توان برای رشته‌هایی مانند تربیت بدنی یا هنر، قوانین و توصیه‌های ویژه‌ای داشت؟

طبیعتاً توجه به همه این ابعاد و ارائه اصول و قوانین فراگیر، می‌تواند از تشتت اجرایی موجود و تصمیم‌گیری‌های معمولاً ذوقی مسئولان، جلوگیری کرده، زمینه را برای تحقق دانشگاه اسلامی و اهداف ویژه مجموعه‌های مذکور، مهیا تر کند.

دو (آموزش غیر مختلط): به معنای جدا و مستقل بودن تحصیل و آموزش هر یک از دو جنس زن و مرد، در مدارس و آموزشگاههاست (طوسی، 1378). آموزش غیر مختلط می‌تواند به شکلهای مختلفی اجرا شود؛ از جمله:

الف) آموزشگاههای تک‌جنسیتی؛ شیوه‌ای که در آن، فقط فراگیران یا همراه با اساتید و کارکنان یک مجموعه آموزشی، از یک جنس باشند (کاملاً مردانه یا زنانه).

ب) آموزشگاههای تفکیک جنسیتی؛ در این شیوه، مجموعه آموزشی به نحوی مدیریت می‌شود که کمترین اختلاط پدید آید؛ مانند:

تفکیک جنسیتی در فضاهای دانشگاهی؛ نسبت‌سنجی دیدگاهها با آموزه‌های دینی ♦ 257

- ساختمانهای آموزشی به صورت مختلط است، ولی آموزشها در کلاسهای جدا اجرا می‌شود.
- ایجاد ساختمانهای آموزشی مردانه و زنانه در یک دانشگاه.
- تقسیم زمانی حضور مردان و زنان در یک دانشگاه؛ مثلاً صبحها دختران و عصرها پسران.
- ج) حداقل شکل عدم اختلاط؛ که فراگیران پسر و دختر در یک کلاس و در ردیفهای جداگانه مانند چپ - راست می‌نشینند.

هر یک از این شیوه‌ها و سبکهای آموزش غیر مختلط در مناطقی از جهان و بعضی دانشگاههای کشور در حال اجراست. (غنی‌زاده، 1393)

البته با توجه به گستره و تنوع موجود در فضاهای دانشگاهی، شایسته است که موضوع پژوهش، «آموزش و پرورش تک‌جنسیتی و غیر مختلط» یا «تربیت غیر مختلط» باشد و از صرفاً عنوان «آموزش تفکیکی» یا «آموزش تک‌جنسیتی» که ترجمه‌ای از عنوان غربی آن است¹ دوری شود.

د) تبیین دیدگاهها

در پی جویی و بررسی دیدگاههای شریعت‌محور درباره‌ی جداسازی زنان و مردان در آموزش عالی، به نظر رسید که صاحب‌نظران کمتر به این موضوع به شکل جزئی و با توجه به عناصر تحدیدکننده و حیثیت خاص آن (تفکیک در دانشگاهها) پرداخته و معمولاً این موضوع را با توجه به دلیل عام و اصل حضور زنان در اجتماع و رابطه‌ی آنان با مردان از نگاه اسلام ارزیابی و استدلال کرده‌اند. ما نیز تلاش خواهیم کرد بعد از تبیین این دیدگاهها و ادله‌ی آنها، نگاه و مواجهه‌ی آنها را با موضوع تفکیک در دانشگاهها، مبتنی بر مبنایشان بررسی کنیم.

طبق توضیحات داده‌شده، می‌توان این نظریات را به چهار گروه و مسلک دسته‌بندی کرد:

1. اجتماع بر پایه‌ی اضطرار

قائلین به این مسلک معتقدند اسلام با حضور زنان در اجتماع و ارتباط با مردان به‌طور کلی مخالف است و فقط در صورت وجود اضطرار و با رعایت حضور و ارتباط حداقلی، این قاعده کلی قابل تسامح خواهد بود. در نتیجه و طبق قاعده، این دسته با اختلاط در مجموعه‌های آموزشی نیز مخالف‌اند و در صورت عدم تحقق فضاهای ویژه‌ی زنان و مردان و نبود اضطرار، حضور افراد را در دانشگاهها روا نخواهند داشت. این صاحب‌نظران از آیات و روایاتی بهره می‌برند که ظاهر آنها همین حکم را تداعی می‌کنند.

1. Single-Sex Education or Single-Gender Education.

یک) شواهد منع از خروج زنان از خانه

خداوند خطاب به همسران پیامبر (ص) فرموده است: «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم، زینتهای خود را آشکار مکنید» (احزاب: 33). مخاطبان اصلی این آیه، همسران پیامبرند. بدین سبب، بعضی از مفسران، حکم این آیه را نیز ویژه زنان پیامبر (این عاشور، 1984، ج 21: 244) و برخی با القای خصوصیت، شامل زنان دیگر نیز دانسته‌اند. (مغنیه، 1425: 554؛ قرطبی، 1364، ج 14: 179)

حضرت علی (ع) در وصیت به امام حسن (ع) می‌فرماید: «همان‌طور که بیرون رفتن آنان از خانه و معاشرت با مردان بیگانه در خارج از خانه برایشان مضر و خطرناک است، وارد کردن مرد بیگانه نزد آنان در داخل خانه و اجازه معاشرت دادن به او نیز مضر و خطرناک است. اگر بتوانی، کاری کن که زنان غیر از تو را نشناسند». (نهج البلاغه، نامه 31)

حضرت زهرا (س) می‌فرماید: «نزدیک‌ترین حالت زن به خدا، زمانی است که در خانه بماند». (مجلسی، 1362، ج 43: 92)

موفق یونس بن یعقوب می‌گوید: «از امام صادق (ع) درباره خروج شدن زن از خانه در عید فطر و قربان و روز جمعه سؤال کردم، امام فرمودند: جایز نیست؛ به جز زن سالخورده». (کلینی، 1369، ج 5: 538)

ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمودند: «شایسته نیست زن جوان به قصد نماز خواندن بر میت از خانه خارج شود، به استثنای زن سالخورده». (بروجردی، 1383، ج 3: 294)

بنا بر ظاهر این ادله، خارج شدن زن از خانه - به استثنای زنان سالخورده - به منظور به جا آوردن نمازهای عیدین و جمعه (و جماعت) و نیز تشییع جنازه، جایز نیست؛ پس خارج شدن او از خانه در موارد دیگر مانند تحصیل و تفریح و راهپیمایی و... به طریق اولی قابل قبول نیست. البته در بین صاحبان فتوا، قول به حرمت یافت نشد و حداکثر به کراهت این ارتباطات فتوا داده‌اند.

دو) شواهد منع از اختلاط زنان با مردان

امیرالمؤمنین (ع) خطاب به اهل عراق فرمودند: «ای مردم عراق! [خبر یافتیم] زنان شما در راهها پهلو به پهلو مردان می‌زنند! آیا شرم نمی‌کنید؟». (حرعاملی، 1414، ج 14: باب 132، ح 1)

از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمودند: «هیچ چیزی را مربوط به زمانهای بعد خطرناک‌تر از [اختلاط و ارتباط با] زنان برای مردان نمی‌بینم». (نوری، 1408، ج 14: 306)

رسول خدا (ص) ورود مختلط زنان و مردان، از یک در به مسجد را مناسب زنان مسلمان ندیدند و دستور دادند زنان و مردان برای حضور در مسجد، از درهای جداگانه وارد شوند. بر اساس برخی روایات، با اشاره به یکی از درهای مسجد فرمودند: «خوب است این در، مخصوص بانوان باشد» (ابوداود، 1420، ج 1: 1)

تفکیک جنسیتی در فضاهای دانشگاهی؛ نسبت‌سنجی دیدگاهها با آموزه‌های دینی ♦ 259

156). همچنین برای جلوگیری از اختلاط زن و مرد پس از تمام شدن نماز عشا و خروج از مسجد که معمولاً جمعیت زیاد است و زنان و مردان با هم از مسجد خارج می‌شوند، دستور دادند ابتدا زنها از مسجد خارج شوند. در حرکت کردن در کوچه نیز به زنان می‌فرمودند از کنار کوچه حرکت کنند، نه از وسط کلبی، 1369، ج 5: 519). ابی اسید انصاری می‌گوید: «پدرم گفت: پیامبر اسلام (ص) از مسجد خارج شدند، در حالی که دیدند زنان و مردان به صورت مختلط در حرکت‌اند. حضرت، زنان را صدا کردند و فرمودند: شما بعد از مردان و از کنار جاده حرکت کنید و همه مسیر را در تصرف خود درنیاورید». (ابن کثیر، 1419، ج 3: 297)

2. اجتماع بر پایه حفظ حریم

دسته دوم معتقدند که اخذ به کلیت این روایات، با آنچه از ادلة قطعی دیگر از آیات و روایات و سیره معصومین (ع) نقل شده، تعارض دارد و به اصطلاح، «معرضٌ عنه» فقهاست. این افراد، روایات ذکر شده را صرفاً به توصیه‌های اخلاقی، فرو گاهیده و معتقدند آنچه اسلام به عنوان یک امر اخلاقی توصیه می‌کند، این است که تا حد ممکن اجتماع مدنی غیر مختلط باشد، ولی باوجود حفظ حریم بین زنان و مردان، حضور زنان در اجتماع از نظر اسلام منعی ندارد (مطهری، 1389: 216 و 220). در این نگاه، تفکیک فضای آموزشی، مستحسن و پسندیده است ولی حضور در دانشگاههای مختلط، با رعایت حفظ حریم، بلامانع خواهد بود. در ادامه به بعضی شواهد و مؤیدات این دسته اشاره می‌شود.

پیامبر اکرم (ص) زنان خود را به قید قرعه با خود به سفر می‌برد؛ بعضی از اصحاب نیز چنین می‌کردند. (همان: 203؛ نقل از: بخاری، 1410، ج 7: 43)

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مانع رفتن زنان به مساجد نشوید». (مجلسی، 1362، ج 87: 354)

همچنین در روایتی از ایشان منقول است: «خیری در جمع شدن زنان نیست مگر در جماعت مسجدی یا تشییع کشته‌ای». (منقی هندی، 1409، ج 7: 20875)

پیامبر اکرم (ص) زنان را از تشییع جنازه منع نکردند. ایشان ترجیح می‌دادند زنان در تشییع جنازه شرکت نکنند، ولی در عین حال در موارد خاصی شرکت کرده‌اند و احیاناً نماز خوانده‌اند. در روایات ما آمده است که وقتی زینب، دختر بزرگ رسول اکرم (ص) وفات کرد، زهرای مرضیه (س) و زنان مسلمان آمدند و بر وی نماز خواندند. (حر عاملی، 1414، ج 1: 156؛ مسلم، 1407، ج 3: 47؛ بخاری، 1410، ج 2: 94؛ ابو داود، 1420، ج 2: 180)

نمونه دیگر، حضرت خدیجه (س) است که به کسب و تجارت مشغول بود و زحمات و تأثیر ایشان بر رشد و پیشرفت اسلام، پوشیده نمانده است. (مجلسی، 1362، ج 16: 22)

رسول خدا(ص) به برخی از زنان اجازه می‌دادند که در جنگها برای کمک به سربازان و مجروحان شرکت کنند. قضایای زیادی در تاریخ اسلام در این زمینه هست.¹ از انس بن مالک روایت شده است: «هر گاه پیامبر(ص) قصد جنگی را نمود، ام سلیم جمعی از زنان را به همراه می‌برد تا مسئولیت آبرسانی و درمان زخمی‌ها را به عهده گیرند». (ابو داود، 1420، ج 1: 202)

در صحیح بخاری نیز نقل شده است: «عایشه و ام سلیم در زمان جنگ احد، مشکهای آب را به سرعت جابه‌جا می‌کردند و به تشنگان می‌رساندند». (بخاری، 1410، ج 4: 418)

نسیبه که به «ام عماره» معروف است می‌گوید: «در جنگ احد با مشک آب، خود را به پیامبر(ص) رساندم. آن حضرت را در جمع اصحاب یافتم و قدرت و پیروزی از آن مسلمانان بود. هنگام شکست مسلمانان، به پیامبر(ص) پیوستم و به‌طور مستقیم وارد جنگ شدم. به قصد دفاع از پیامبر(ص) شمشیر می‌زدم و تیراندازی می‌کردم». (ابن هشام، 1425، ج 3: 86-87)

3. اجتماع بر پایه عمل به عرف پسندیده

به نظر این گروه، از ظهور آموزه‌های دینی و تأکید بزرگان، این‌گونه استنباط می‌شود که اسلام نه تنها مخالف حضور زنان در اجتماع نیست، بلکه طرفدار فعالیت و مشارکت زنان در امور اجتماعی است؛ ولی برای شناخت قوانین این حضور و ارتباط و خطوط قرمز آن باید به عرف جامعه مراجعه کرد. در تبیین شرایط و محورهای اصلی معروف که با ذوق اجتماعی شناخته می‌شود، بر سه مؤلفه موافقت با عقل و شرع و طبع انسان تأکید شده است. طبیعتاً در این دیدگاه، تفکیک جنسیتی نیاز نیست، بلکه باید روابط بین افراد را با معیار معروف، مدیریت کرد.

این دسته تلاش می‌کنند نظریه خود را به آیات قرآن و تعابیر متعدد آن درباره معروف ارجاع دهند؛ از جمله: «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف» (بقره: 228)؛ «الطلاق مرتان فامساک بمعروف» (بقره: 229)؛ «فامسکوهن بمعروف او سرحون بمعروف» (بقره: 231)؛ «فلا تعضوهن ان ینکحن ازواجهن اذا تراضوا بینهم بالمعروف» (بقره: 232)؛ «و کسوتهن بالمعروف» (بقره: 233)؛ «فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهن بالمعروف» (بقره: 234)؛ «و لکن لا تواعدوهن سرا الا ان تقولوا قولاً معروفه» (بقره: 235)؛ «و متعهن علی الموسع قدره و علی المقتر قدره متاعه بالمعروف» (بقره: 236)؛ «فان خرجن فلا جناح علیکم فی ما فعلن فی انفسهن من معروف» (بقره: 240)

1. رجوع شود به کتب مغازی و سیر و تواریخ صدر اسلام. ایضاً رجوع شود به صحیح مسلم (1407، ج 5: 196-197)، سنن ابو داود (1420، ج 2: 17) و جامع ترمذی (ص 247). (مطهری، 1389: 203)

4. اجتماع بر پایه نبود لذت جنسى

برخی معتقدند که اساساً این سختگیری‌ها در اسلام وجود ندارد؛ بدین معنا که «وقتی به قرآن مراجعه می‌کنیم، آیات و روایات متعددی درباره حضور زنان در اجتماع دیده می‌شود که هیچ تقیحی درباره آنها صورت نگرفته است؛ مانند داستان حضور زنی به نام بلقیس در محضر حضرت سلیمان نبی و صحبت با فرماندهانی که تماماً مرد هستند یا داستان دختران حضرت شعیب نبی(ع) که حضرت موسی(ع) با آنان سخن می‌گوید و مشغول به کارهایی در خارج از خانه‌اند. در این موارد و مواردی شبیه به این، هیچ منعی از قرآن دیده نمی‌شود» (فجرى، 1396: 252). در این دیدگاه، باید در صدور یا دلالت روایات به ظاهر متعارض، تردید کرد. طبق این نظر، خط قرمز ارتباط زنان و مردان نامحرم، تمتعات جنسى است و اگر حضور زنان منشأ ارتباط یا تهییج شهوانی نشود، از جانب اسلام منعی وجود ندارد. برخی از صاحب‌نظران، این گزینه را تا سه معیار گسترش داده و ملاحظات جامعه‌شناسی اسلامی را نیز بر آن افزوده‌اند:

- عدم محوریت تمتعات جنسى در ارتباط؛ این ارتباط، به تحریک شهوت نینجامد.
- عدم محوریت جنسیت در ارتباط؛ جنسیت در آن، مورد توجه و حساسیت شخص نباشد.
- عدم محوریت اصل ارتباط برای ارتباط؛ نفس ارتباط در آن اصل نباشد، بلکه برای هدف

دیگری این ارتباط برقرار شده باشد. (همان: 167)

بر اساس این نظر، تا زمانی که به محوریت جنسیت و تمتعات جنسى در محیط‌هاى آموزشی مختلط، قطع نداشته یا در آن تردید داشته باشیم، توصیه به ایجاد فضاهاى ویژه و تفکیک‌شده، لزومی ندارد.

هـ) تحلیل و نقد دیدگاهها

در نقد و ارزیابی دیدگاههاى مطرح‌شده، چند نکته مبنایی قابل طرح است که توجه به آنها می‌تواند موضع نهایی را در رابطه با موضوع مقاله مشخص کند:

1. به نظر می‌رسد منشأ تنوع و تضاد دیدگاههاى شریعت‌محور، تعارض ظاهر روایات و سیره‌هاى منقول در کتب حدیثی و تاریخی است که معمولاً تلاش شده از بخشی از آنها به نفع بخشی دیگر، اعراض شود. به نظر می‌رسد یکی از راههای جمع بین این ادله، تبیین ارتباط طولی دستورات دینی در مسیر رسیدن به اهداف اصلی و نهایی شارع مقدس است. برای توضیح این مطلب می‌توان از سه اصطلاح چشم‌انداز، راهبرد و تاکتیک، در مدیریت راهبردی بهره برد.

چشم‌انداز:¹ بیانیه‌ای است درباره آنچه فرد یا مجموعه می‌خواهد به آن تبدیل شود. در واقع؛ به نحوی هدف نهایی و استقلالی حرکتها را مشخص می‌کند.

راهبرد:² رویکردهای کلیدی است که فرد یا مجموعه، برای به انجام رساندن مأموریت خود و حرکت به سمت چشم‌انداز استفاده می‌کنند.

تاکتیک:³ ابزار و روشهای رسیدن به اهداف را تعریف می‌کند. تاکتیک بر «چگونگی» اجرای راهبرد با استفاده از منابع، عملیات، زیرساخت و طراحی فرایند تمرکز می‌کند. در شرایط مختلف و بنا بر اقتضاهای جدید دستیابی به چشم‌انداز و راهبرد، تاکتیکها می‌توانند تغییر کنند.

بنا بر تعاریف ارائه‌شده می‌توان روایات را در این سه بخش دسته‌بندی کرد: چشم‌انداز در نگاه دینی، همان هدف غایی آموزه‌ها و دستورات شریعت؛ یعنی رسیدن به نعیم بهشتی و لذت بردن از آن، دوری از جهنم و عذاب آن و کسب رضای الهی است. راهبرد رسیدن به این هدف، تحقق عبودیت تام در پیشگاه الهی است. تاکتیکها نیز مهیا بودن تمام شرایط درونی و بیرونی انسان برای توجه ذهنی و تعلق قلبی نسبت به آفریدگار جهان و رفع موانع عبودیت است و یکی از تاکتیکهایی که در رفع موانع به کار می‌رود، عدم اختلاط جنسی و محدود شدن حضور و ارتباط زنان در محیط‌های مردانه است.

قرآن نیز در بیان علت دستور عدم حضور و جلوه‌نمایی زنان پیامبر(ص) در اجتماع، به همین جنبه ایجاد طهارت قلبی و مقابله با بیماری و بیماران قلبی و روحی اشاره می‌فرماید: «هرگاه از زنان رسول متاعی می‌طلبید، از پس پرده طلبید که حجاب برای آنکه دل‌های شما و آنها پاک و پاکیزه بماند، بهتر است» (احزاب: 53). همچنین: «ای زنان پیغمبر! شما مانند دیگر زنان نیستید (بلکه مقامتان رفیع‌تر است) اگر خداترس و پرهیزکار باشید. پس زنها! نازک و نرم (با مردان) سخن مگویید، مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد. (بلکه متین) و درست و نیکو سخن گوید» (احزاب: 32-33)

همچنان که گفته شد، تاکتیکها ممکن است در شرایط مختلف تغییر کنند. به همین سبب، در جایی که فضا برای تحقق عبودیت بسیار مهیاست (مانند فریضه حج)، ترجیح محدودیت حضور زنان در بین مردان، برداشته می‌شود؛ یا تأکید بر محدودیت ارتباط با مردان نامحرم، به شکل فردی و در جایی که شخصی مورد اعتماد است و زمینه‌ای برای انحراف قلبی وجود ندارد، کمتر می‌شود؛ مانند صحبتها و ارتباطات حضرت زهرا(س) با بعضی اصحاب. از این رو، در بیان امیرالمؤمنین(ع) برای تأکید بر عدم ورود نامحرم به حریم خانه و ارتباط با خانواده، تعبیر «دخول من لا یوثق به علیهن»؛ «ورود کسی که به او، نسبت به همسر و خانواده‌ات اعتمادی نداری» به کار رفته است.

1. Vision
2. Strategies
3. Tactics

تفکیک جنسیتی در فضاهای دانشگاهی؛ نسبت‌سنجی دیدگاهها با آموزه‌های دینی ♦ 263

همچنین زمانی که احقاق حق و هدایت و نجات امت اسلامی و بازماندن مسیر عبودیت، اضطراری برای حضور در اجتماع پدید می‌آورد، تاکتیک تغییر می‌کند و حضرت زهرا (س) در جمع حاضر شده و خطبه می‌خوانند؛ اما در همان‌جا نیز تلاش شده کمترین ظهور و ارتباط تحقق یابد. از این رو، در نقل تاریخی چنین آمده است که ایشان برای ایراد خطبه و دفاع مشروعشان از ولایت و حق خود، به همراه گروهی از نزدیکان و زنان قوم خود به سوی مسجد حرکت کردند و برای ایشان پرده‌ای نصب شد و از پشت پرده سخن گفتند (طبرسی، 1386، ج 1: 98). درباره حضور ایشان در تشییع جنازه زینب، دختر پیامبر خدا نیز آمده که «با زنان از منزل خارج شد» که به نوعی، دوری از ظهور در اجتماع است (طوسی، 1365، ج 3: 333). حضور زنان در جنگها و کمک‌رسانی به مجروحین را نیز می‌توان در این فضا تحلیل کرد.

2. همچنان که در «تبیین مسئله» اشاره شد، باید در طرح ادله موافق و مخالف تفکیک در آموزش عالی، به همه عناصر تحدیدکننده موضوع و لوازم آن توجه کرد. در واقع؛ استدلالهای مطرح‌شده به عنوان دیدگاه اسلام نسبت به حضور اجتماعی زنان و ارتباطشان با مردان، نسبت به بحث تفکیک، عموم و خصوص من وجه است؛ یعنی ممکن است در بحث حضور و ارتباط، قائل به جواز و عدم منع شویم؛ ولی به سبب ویژگی‌های خاص موضوع، ادله و قواعد یا به تعبیری تاکتیکهای دیگری، ما را از اختلاط و ارتباط، منع کنند. به نظر می‌رسد می‌توان اصول و قواعد ویژه ناظر به موضوع تفکیک در دانشگاهها را به سه دسته اصلی تقسیم کرد:

نخست، اصلی که ناظر بر فرایند تعلیم و تربیت و ماهیت علم‌آموزی و دانشجویی است که می‌توان از آن به اصل «فراغت خاطر» نام برد. از آنجا که یکی از مهم‌ترین عوامل برای حرکت علمی و دستیابی به موفقیت‌های پژوهشی برای افراد یا مجموعه‌ها، داشتن حضور ذهن، تمرکز علمی و عدم تشویش قلبی است، بنابراین، هر آنچه مانع فراغت فکری می‌شود، باید از مجموعه‌های دانش‌محور حذف شود. امام زین‌العابدین (ع) می‌فرماید: «حق دانش آن است که با پوشاندن لذتها و راندن شهوتها، دلت را برای آن فارغ سازی و ذهنت را حاضر و آماده و گوشت را یاد دارنده و هوش را تیز کنی». (حلی، 1344، ج 12: 117)

پیامبر خدا (ص) نیز از جمله وصیتهای حضرت خضر به موسای حکیم را چنین نقل می‌کنند: «ای موسی! اگر علم می‌خواهی، خود را برای آن خالص و فارغ بساز؛ چرا که دانش از آن کسی است که خود را برای آن فارغ و یکدل کند». (محمدی ری‌شهری، 1362: 238)

دوم، قواعدی که ناظر بر شخصیت دانشمند و دانشجو است: امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «قیمت هر مردی به آن چیزی است که خوب و نیکو می‌داند» (نهج‌البلاغه، حکمت 81). از آنجا که هدف از ایجاد فضاهای دانشگاهی و صرف هزینه‌های کلان برای آن، تربیت دانشجویانی است که بتوانند دانشهای صحیح را به درستی فرا گیرند، در عمل به کار بندند و به دیگران نیز بیاموزند، تحقق چنین اهدافی نمی‌تواند صرفاً با یادگیری دانش به نتیجه برسد، بلکه نیازمند تحقق بینش صحیح و تلبس به اوصاف اخلاقی متناسب با سبک زندگی دانشگاهی است. از این رو، برای ایجاد و تقویت چنین ویژگی‌هایی باید در برنامه‌ریزی برای

ساختارهای دانشگاه، بسترسازی مناسبی را مهیا کرده و اصول و قواعد خاصی را در نظر گرفت که از جمله آن اصول، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- اصل تقدم تزکيه بر تعليم: بنا بر سند دانشگاه اسلامی، یکی از اهداف و سیاستهای کلان تشکیل و برنامه‌ریزی در دانشگاهها، «اولویت دادن به تربیت و تهذیب روحی و تعالی معنوی سرمایه انسانی دانشگاه و محوریت داشتن تزکيه در آموزش و پژوهش و تنظیم ساختارهای دانشگاه» برگرفته از بند 4 اصول و مبانی سند دانشگاه اسلامی است؛ زیرا دانشمندان، یعنی افرادی که باید نسبت به تشخیص و تصمیم آنان در آینده وثوق و اطمینان پیدا کرد (بلکه در بعضی رشته‌های دانشگاهی مانند قضاوت، به غیر از وثوق، عدالت نیز شرط به‌کارگیری دانش آنهاست)، بدون پشتوانه معنوی و وابستگی‌های اعتقادی، در عمل نمی‌توانند به اهداف واقعی علم‌آموزی جامعه عمل‌پوشانند و در زمانهای حساس تشخیص و تصمیم، به جای در نظر گرفتن منافع ملی و عمومی و نگرشهای توحیدی و معادباورانه، به نفع اغراض شخصی و هواهای نفسانی خویش موضع خواهند گرفت. از این رو، در برنامه‌ریزی‌های آموزش عالی باید به ارتقاع معنوی دانشگاهیان توجه کرد و آنچه را باعث سست شدن گرایش قلبی و التزام عملی دانشجویان نسبت به آموزه‌ها و ارزشهای دینی می‌شود، حذف و جایگزین کرد.

- اصل حیا و عفت: شرم و حیا یکی از عوامل مؤثر در حفظ پاکدامنی انسانها و از مفاهیم کلیدی و تأثیرگذار در جامعه است که رعایت آن، آثار و برکات فراوانی را به همراه خواهد داشت. انسان به همان میزان که از این صفت پسندیده بهره‌مند است، از کارهای زشت و نامشروع دوری می‌کند. حیا، «انقباض (گرفتگی) نفس از زشتی‌ها و ترک آن به سبب زشت بودن» است (راغب اصفهانی، 1412). در بیان اهمیت این صفت همین بس که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «الحیاء هو الدین کله» (هندی، 1413، ج 3، ص 121) یا امام صادق (ع) می‌فرماید: «لا ایمان لمن لا حیاء له» (کلینی، 1369، ج 2: 106، ح 5). لزوم توجه به حفظ این صفت در مدیریت نظامهای اجتماعی نیز از ضروریات تحقق جامعه اسلامی است؛ به ویژه آنکه قرار است این مدیریت و برنامه‌ریزی برای قشر جوان و دانشجوی جامعه صورت گیرد. از این رو، ممکن است حکم شرعی ابتدایی در موضوع اختلاط، صرفاً کراهت باشد؛ ولی توجه به ملازمات اخلاقی آن، ما را از دامن زدن به اختلاط منع می‌کند.

- اصل تحکیم خانواده: موقعیت سنی و اجتماعی جوانان در مقطع آموزش عالی، می‌تواند بستر ساز تشکیل خانواده‌هایی متعالی و مستحکم باشد که پشتوانه خوبی برای تحقق موفقیت‌های بیشتر علمی و عملی دانشجویان و فراگیران است و در مقابل، تشکیل خانواده‌هایی سست‌بنیان، علاوه بر زمینه‌سازی آسیب‌های متعدد اجتماعی، به سبب ایجاد مشغولیت فکری و فرسایش‌های هیجانی، می‌تواند هزینه‌های زیادی را برای جامعه دانشگاهی و نخبگان و اندیشمندان کشور پدید آورد و توان فکری و اجرایی آنان را به شدت محدود کند. از این رو، باید محوریت تمام قوانین و دستورالعملها بر تشکیل و حفظ خانواده از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی و توجه به پیوسته‌های خانواده‌محور در تمام تصمیم‌گیری‌ها باشد.

تفکیک جنسیتی در فضاهاى دانشگاهی؛ نسبت‌سنجی دیدگاهها با آموزه‌هاى دینی ♦ 265

طبیعتاً در موضع‌گیری و پاسخ به سؤالات پیرامون مسئله تفکیک و اختلاط، باید این‌گونه اصول و قواعد حاکم را نیز در نظر گرفت.

3. این نکته نیز باید مد نظر قرار گیرد که اساساً یکی از مشکلات جامعه کنونی ما ارائه پاسخهای رساله‌ای در برابر سؤالات حاکمیتی است. یکی از عناصر تحدیدکننده موضوع تفکیک، خروج آن از جنبه‌های فردی و قرار گرفتن ذیل موضوعات کلان اجتماعی و حاکمیتی است و چنانکه مشخص است، نقش و وظیفه فردی نسبت به نگاه و سیاستگذاری حاکمیتی و نظام مدیریت انسانی، متفاوت است. در موضوع تفکیک نیز پرسش اصلی این نیست که اگر شخصی می‌خواهد در فضای مختلط درس بخواند و در کنار غیر همجنس بنشیند، آیا جایز است یا نه؟ بلکه پرسش حاکمیتی این است که آیا حاکمیت می‌تواند روادید حضور در فضاهاى مختلط را به شهروندان بدهد یا خیر؟ حاکمیت می‌تواند این‌گونه فضاها را ایجاد کند و نظام تشویقی برای آن بگذارد یا خیر؟

چنان که گفته شد، ممکن است در شرایط ویژه‌ای تاکتیکها تغییر کنند، ولی همچنان باید روشها در مسیر اهداف راهبردی و چشم‌انداز باشند. در این طراحی عملیات، حکومت اسلامی وظیفه دارد تاکتیکی را اتخاذ کند که بیشترین همسویی و کمترین آسیب را در تحقق اهداف دینی و کمال انسانی در سطح جامعه داشته باشد. از این رو، حاکم و قانونگذار، حق ارائه هیچ قانون، الزام و تصرف در شئون اجتماعی را ندارد، مگر اینکه مصلحت آن برای عموم جامعه احراز شده باشد. در واقع؛ این مصلحت اجتماعی است که مقوم مشروعیت مداخله حاکمیت است. پس مجتهدی که می‌خواهد در حوزه اجتهاد حاکمیتی فتوا دهد، برای در نظر گرفتن چشم‌اندازهای دین در عرصه سبک زندگی اجتماعی و توجه به اولویتها و مصلحتها، باید دامنه اجتهاد خود را از حوزه بررسی فقهی رفتار فردی به حوزه اخلاق و اعتقادات اجتماعی و فقه اکبر نیز بسط دهد. براینکه در نظر گرفتن کل این مجموعه می‌تواند مصلحت و رجحان عمومی را به دست آورد. از این لحاظ باید نگاههای دین در حوزه موضوعات نیز به خوبی رصد شود. برای مثال، اگر حاکمیت می‌خواهد سیاست کنترل جمعیت را اعمال کند، باید توابع اعتقادی و اخلاقی آن، مانند نگاه مؤمنان به بحث رزق و روزی الهی را نیز در نظر گیرد و ترجیح آن را تشخیص دهد یا در کوپنی کردن مایحتاج مردم، به بحث امکان ایجاد حرص بیشتر عموم جامعه نیز توجه کرده و اولویت‌سنجی کند.

پس ممکن است آنچه در وظایف فردی حکم کراهت دارد، در نظامهای اجتماعی و با در نظر گرفتن تبعات وسیع تصمیمات و تنوع شرایط خارجی، محکوم به حرمت شود. به تعبیری؛ نمی‌توان به راحتی اصل برائت جاری کرد، بلکه در این شرایط، زمینه جریان اصل احتیاط بیشتر خواهد بود. توصیه‌های شدید و الزام‌گونه مراجع تقلید در موضوع تفکیک و اختلاط را نیز بر پایه همین دیدگاه می‌توان تحلیل کرد.

البته به گفته آیت‌الله سیستانی(نقل از: انصاریان، 1396) باید سه شرط در جریان اصل احتیاط، مد نظر قرار گیرد: قوت احتمال، اهمیت محتمل، مؤونه عمل.

طبیعتاً در این رویکرد و با عنایت به شرط سوم، فتوا به احتیاط یا حتی اجرای احکام اولیه، باید با توجه به اولویتها و موانع اجتماعی صورت گیرد. برای مثال دربارهٔ حجاب، اگر فقط تعداد محدودی بدحجاب در جامعه وجود داشته باشد، حاکمیت این قدرت را دارد که با آنان برخورد کند؛ ولی اگر تعداد زیادی از مردم به این حکم الهی عمل نکردند، حاکمیت با کدام قدرت می‌تواند با این عمل مقابله کند؟ یا در مورد برخورد با شرابخوران، اکنون حکومت می‌تواند با کسی که در ملاء عام مشروب می‌خورد و مست می‌کند برخورد کند، ولی اگر در زمانی دیگر تعداد این افراد بسیار زیاد شدند، آیا باز هم حاکمیت وظیفهٔ برخورد دارد؟ از این لحاظ ممکن است امروز مصلحت ملزمه وجود داشته باشد و مداخله واجب باشد و فردا این مصلحت وجود نداشته باشد و مداخله حرام شود.

پس می‌توان گفت در احکام حکومتی نیز بین «حکام آرمانی یا جعلی» با «حکام در مقام عمل یا منجز» فاصله وجود دارد. آنچه در امثال روایات «حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه الی یوم القیامه» (کلینی، 1369: ج 1: 58) آمده است، در مقام حکم جعلی اولیه است و حکم منجز حاکمیت، لحظه‌ای است؛ یعنی در هر زمان وظیفهٔ ویژهٔ خود را دارد و بنا بر تغییر وضعیت و شرایط موجود تعیین خواهد شد. حال باید دید اینکه گفته می‌شود علی‌الاصول نباید حاکمیت، فضاهای مختلط ایجاد کند، که حکمی جعلی است، امروز هم بر عهدهٔ حاکمیت است یا نه؟ پاسخ به این شبههٔ موضوعیه، نیازمند آن است که اولاً، سعهٔ صدر عمومی و قدرت حاکمیت بر اجرای این حکم احراز شود و ثانیاً، در بحث تراحم با دیگر مسائل فرهنگی اجتماعی، اولویت این مواجهه نیز اثبات شود؛ زیرا طبیعتاً حاکمیت، قدرت آن را ندارد تا بر تمام آنچه شارع می‌خواهد، تحفظ کند و باید بخشی از آن را رها کند.

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی جامعهٔ ایرانی، گرچه همچنان که قبلاً نیز اشاره شد، افکار عمومی هنوز آمادگی کافی برای اجرای چنین طرحی را در سطح کلان آن نداشته و باید برای آن زمینه‌سازی و ایجاد گفت‌وگو کرد تا به مطالبهٔ عمومی تبدیل شود و «مؤونهٔ عمل» کم شود، ولی حرکت به سمت ارتباط کمتر زنان و مردان و کاهش فضاهای مختلط را می‌توان یکی از اولویتهای فرهنگی جامعهٔ کنونی دانست؛ زیرا هجوم فرهنگی غرب و تبلیغات و تغذیهٔ آلودهٔ رسانه‌ای که سبب تهییج بیشتر زنان و مردان، به خصوص جوانان شده، در کنار محدودیتهای موجود برای ازدواج و ارضای مشروع نیازها، خود زمینه‌ساز گسترش آشفتگی‌های روحی و نیازهای کاذب جنسی شده است و وجود یا ایجاد محیط‌های مختلط، بر این بی‌انضباطی و ولنگاری اخلاقی و فرهنگی جامعه خواهد افزود. از این رو، در بیانات علمای عظام و مراجع تقلید نیز تأکید بر لزوم ایجاد فضاهای تفکیک‌شده و تک‌جنسیتی در دانشگاهها و اهمیت و اولویت آن مشاهده می‌شود.

و) نتیجه‌گیری

در این پژوهش، دیدگاههای مختلف کارشناسان فرهنگی درباره نگاه دین به تفکیک فضاهاى آموزش عالی بررسی شد. نقد قابل طرح بر این نظرات، عدم نگاه جامع به ادگه و طولی بودن دستورات شرع و همچنین عدم در نظر گرفتن عناصر و ویژگی‌های تحدیدکننده موضوع تفکیک بوده است. در جمع‌بندی دیدگاهها به نظر می‌رسد تشکیل دانشگاههای همگن، مورد تأیید ادگه شرعی بوده و شرایط را برای توجه به نیازهای خاص علمی - آموزشی، مهارتی و فرهنگی دانشگاهیان مهیاتر می‌کند. البته در اجرای طرح باید ملاحظات و محدودیتهای اجتماعی و شرایط خارجی را نیز در نظر گرفت. به نظر برخی از کارشناسان، با توجه به قبولی و حضور بیشتر دختران در سالهای اخیر در دانشگاهها، می‌توان ابتدا در کنار کلاسهای مختلط، کلاسهای ویژه‌ای را به دختران اختصاص داد تا امکان انتخاب بین کلاس مختلط و ویژه برای آنان مهیا شود. در این فضا، جدا از زمینه‌سازی فکری دانشجویان، درصد استقبال آنان از تفکیک و امکان یا عدم امکان گسترش طرح، برای مسئولان دانشگاه نمایان خواهد شد. البته باید توجه داشت که معمولاً هر تغییری، هزینه‌هایی یا مخالفت‌هایی را نیز به همراه خواهد داشت که با تدبیر صحیح، اقناع فکری و تبیین ارزشی طرح برای مخاطبان آن، به ویژه نخبگان اعم از اساتید، تشکلهای کانونها و انجمنهای علمی، این مقاومتها به حداقل رسیده، بلکه از سوی افراد دغدغه‌مند رشد فکری و فرهنگی دانشگاه، مورد حمایت و تقدیر نیز قرار خواهد گرفت.

در نهایت بر این نکته تأکید می‌شود که دانشگاه به‌عنوان مجموعه فرهنگی - آموزشی مهم و مرجعی که سرآغاز بسیاری از حرکت‌های فرهنگی و اجتماعی در کشور است، زمانی می‌تواند نقش سازنده خود را در احیا و ایجاد تمدن و جامعه اسلامی مطلوب ایفا کند که از ساختاری مطابق با آموزه‌ها و دستورات اسلامی برخوردار باشد. در غیر این صورت نمی‌توان از حرکت عمومی بدنه جامعه، رشد علمی و معنوی مطلوب را متوقع بود.

پیشنهادها

با وجود تحقیقات انجام‌شده در خارج از کشور پیرامون اختلاط و تفکیک جنسیتی و نقش آن در ارتقای علمی یا فرهنگی، در داخل کشور پژوهش آماری و قابل توجهی یافت نشد که به نظر می‌رسد به سبب ویژگی‌های فرهنگی داخل کشور، این نوع پژوهشهای بومی، مورد نیاز و ضروری است. همچنین برای اجرای گسترده و بهتر طرح ویژه‌سازی جنسیتی، راههای گوناگونی وجود دارد که می‌تواند در هر مجموعه آموزشی و طبق شرایط و نیازهای بومی، آن را اجرا کرد. در ایران و خارج از کشور نیز تجربیات مختلفی در این زمینه وجود دارد که هنوز گردآوری نشده و پژوهش پیرامون آن می‌تواند زمینه را برای انتخاب روشی مناسب‌تر و مورد قبول‌تر برای دانشگاهیان آماده کند.



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (1984 م). *التحریر و التنویر*. تونس: الدار التونسیه للنشر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (1419 ق). *تفسیر ابن کثیر*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن هشام، ابو محمد عبد الملک (1425 ق). *سیره نبوی*. بیروت: دار المعرفه.
- ابو داوود، سلیمان بن الأشعث (1420 ق). *سنن*. بیروت: المکتبه العصریه.
- امامی راد، احمد (1393). «*بودسی فقهی تفکیک جنسیتی*». *مطالعات فقه تربیتی*، دوره اول، ش 1: 178-141.
- انصاریان خوانساری، محمد تقی (1396). *شمع همیشه فروزان؛ خاطرات و اسناد منتشر نشده درباره آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی (ده)*. قم: انصاریان.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (1410 ق). *صحیح*. مصر: وزاره الاوقاف، المجلس الاعلی للثنون الاسلامیه.
- بروجردی، سید حسین (1383). *جامع احادیث الشیعہ*. قم: [بی نا].
- تقوی، علی و سید حسین سیادتیان آرانی (بی تا). *تفکیک جنسیتی در دانشگاهها*. آری یا خیر. قم: دفتر نشر معارف.
- حر عاملی (1414 ق). *وسائل الشیعہ*. قم: مؤسسه آل البيت.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (1344 ق). *تحریر الاحکام*. مشهد: مؤسسه آل البيت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1412 ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم.
- صادقی زفره، حسن (1382). *معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام*. تهران: مرکز پژوهشهای اسلامی صداوسیما.
- صالحی، صدیقه (1385). «*اختلاط و انفکاک در محیطهای اجتماعی زنانه و مردانه، از مبانی اسلام تا فمینیسم پست مدرن*». *بانوان شیعه*، ش 10.
- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی (1386 ق). *الاحتجاج*. [بی جا]: نشر دارالنعمان.
- طوسی، اسدالله (1378). «*اختلاط در مراکز آموزشی*». *معرفت*، ش 32.
- طوسی، محمد حسن (1365). *تهذیب الأحکام*. تهران: فراهانی.
- غنی زاده، میر بهمن (1393). «*تفکیک جنسیتی در آموزش*». *آخرین بازنگری 11 آبان 1397*. قابل دسترس در: <http://www.migna.ir/news/28769>
- فجرى، علیرضا (1396). *درآمدی بر مسئله روابط زن و مرد در جامعه اسلامی؛ گفتگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- قرطبی، محمد (1364). *الجامع الاحکام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب (1369). *اصول کافی*. تهران: نشر علمیه اسلامی.

تفکیک جنسیتی در فضاهاى دانشگاهی؛ نسبت‌سنجی دیدگاهها با آموزه‌های دینی ♦ 269

- متقى هندى، حسام‌الدين (1409 ق). *كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال*. بيروت: مؤسسه الرساله.
 - مجلسى، محمدتقى (1362 ق). *بحار الأنوار*. تهران: دارالكتب اسلاميه.
 - محمدى رى شهرى، محمد (63-1362). *میزان الحکمه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامى.
 - مسلم بن الحجاج نیشابورى (1407 ق). *صحیح*. بيروت: مؤسسه عزالدین.
 - مطهرى، مرتضى (1389). *مسئله حجاب*. تهران: صدرا.
 - مغنیه، محمدجواد (1425 ق). *التفسیر المبین*. قم: دارالكتاب الإسلامى.
 - نوری، حسین بن محمدتقى (1408 ق). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل البيت.
 - نیکزاد، عباس (1383). «روابط زن و مرد از دیدگاه اسلام؛ ترویج، تعطیل، تعدیل؟». کتاب زنان، ش 25.
 - هندى، علاء‌الدين على المتقى بن حسام الدين (1413 ق) «*کنز العمال، فى سنن الاقوال و الافعال*». چاپ مؤسسه الرساله، بيروت، لبنان.
 - یارى، شعیب و حبيب محمدنژاد (1391). «برسى ابعاد و پیامدهاى طرح تفکیک جنسیتی دانشجویان در دانشگاهها و راهکارهاى اجراى طرح». *فرهنگ در دانشگاه اسلامى*، ش 5.
- **The Holy Quran.**
 - **Nahjol Balageh.**
 - Abu Dawood, Soleiman bin Al-Ash'ath (1420 AH). **Sinan**. Beirut: The Modern Book.
 - Ansariyan Khansari, Mohammad Taqi (2017). **Shiva, Always Foruzan: Memories and Documents Unpublished on Ayatollah Ozma Sayyid Abu Alqasim Khoyi**. Qom: Ansariyan.
 - Bukhari, Mohammed bin Isma'il (1410 AH). **Sahih**. Egypt: Ministry of Awqaf, Council of Information on Islamic Affairs.
 - Boroujerdi, Seyyed Hossein (2004). **Jamee Al ahadis al-Shi'a**. Qom.
 - Coleiny, Muhammad Ibn Ya`qub (1990). **Osul Kafi**. Tehran: Islamic Semitic Publishing.
 - Fajri, Alireza (2017). **An Introduction to the Issues of the Relationship between Men and Women in the Islamic Society; Dialogue with a number of Professors of the Area and University**. Qom: Islamic Center of Science and Culture.
 - Ghanizadeh, Mir Bahman (2014). **"Single Sex in Education"**. Last Revised November 2, 2018. Available at: <http://www.migna.ir/news/28769>.
 - Helli, Hassan bin Yousef bin Mutahar (1344 AH). **Liberation of the Judgments**, Mashhad, Al Al-Bait Institute.
 - Hindi, Hessameddin (1992). **The Treasure of Workers in the Sunan of Words and Deeds**. Beirut: aressaleh institute.
 - Hor Ameli (1414 AH). **Wassail al-Shi'a**. Qom: Al-Alibit Institute.
 - Ibn Ashour, Mohammed bin Taher (1984). **Liberation and Enlightenment**. Tunisia: Tunisian Publishing House.

- Ibn Hisham, Abu Muhammad Abd al-Malik (1425-AH). **Sirah Nabavi**. Beirut: Dar al-Ma'arifah.
- Ibn Kathir, Ismail Ibn 'Umar (1419-AH). **Ibn Kathir's Commentary**. Beirut: Scientific Research House.
- Majlisi, Mohammad Taghi (1362 AH). **Bihar al-Anwar**. Tehran: School of Islamic Studies.
- Mohammadi Rey Shahri, Mohammad (1983-4). **Mizan Al-Hekmah**. Qom: Islamic Propaganda Office.
- Moslem ibn al-Hajjaj Neyshaburi (1407 AH). **Sahih**. Beirut: Ezuddin Institute.
- Motaghi Hindi, Hessameddin (1409 AH). **The Treasure of Workers in the Sunan of Words and Deeds**. Beirut: Founder of the Message.
- Motahhari, Morteza (2010). **Hijab Issue**. Tehran: Sadra.
- Mughniyeh, Mohammad Jawad (1425 AH). **Al-Tafsir Al-Mubin**. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
- Nouri, Hossein Ibn Muhammad Taghi (1408 AH). **Mustadrak Al-Wasael**. Qom: Al Al-Bait Institute.
- Qurtubi, Mohammad (1985). **All Rights Reserved Quran**. Tehran: Naser Khosrow.
- Ragheb Isfahani, Hussein ibn Muhammad (1412 AH). **Vocabulary of the Quran**. Beirut: Dar Al-Qalam.
- Tabarsei, Abu Mansour Ahmad ibn Ali (1386 AH). **The Protest**. Published Dar Al-Nu'man.
- Tusi, Asadollah (1999). "Mixing in Educational Centers". *Knowledge*, N. 32.
- Tusi, Mohammad Hassan (1986). **Tahzhib Al-Ahkam**. Tehran: Farahani.

